

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سروش

۲۲ فبروری ۲۰۲۱

فتنه های خفته طبابت در هرات

استعمار و امپریالیسم به هر کجائی که یورش برده، خلق های بی دفاع را به اسارت گرفته و تمام داشته ها و ارزش های سالم و مترقی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آن سرزمین را نابود کرده و یا به یغما برده است. تقویت و حمایت ستمگران مرتجع و مزدور بومی، گسترش فقر و بیکاری، اعتیاد به مواد مخدر، سودجویی، قلدري، زورگیری و غارتگری، فرهنگ مافیائی، فرهنگ معافیت، جنگ، ویرانی، سوء تغذیه و انواع مریضی های مزمن و حاد همراه با مصائب و ناهنجاری های اجتماعی و اخلاقی، همه و همه از رهاورد های استعمار و امپریالیسم برای خلق های زیر ستم سرزمین های معروض به یورش و اشغالگری بوده است.

کشور ما با چهل سال تجاوز، جنگ، کشت و کشتار، چور و چپاول توسط اشغالگران و یغماگران بومی نظام های پوشالی وابسته به امر نهی متجاوزان اعم از گروه های مزدور و ستمگری چون وطن فروشان "خلقى و پرچمى"، جهادی، دلال تکنوکرات، طالبی و داعشی و ده ها گروهک و باند تروریستی آدمکش، همواره به آتش کشیده شده است. در این مدت تمام ارزش های سالم و بالنده فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی جامعه عقب نگه داشته شده و بسته به زنجیر ما رבוته شده، و زیرساخت های مادی و معنوی اش بار بار فروپاشیده است.

خلق اسیر ما همه روزه درگیر چنین جنایت های هولناک بوده و در حال جان کندن هستند. مهین بلاکشیده ما با هرج و مرج، ناامنی، قتل و قتال، چور و چپاول، با کارنامه پلید ترین و پست ترین نظام فاسد ضد ملی با بافت و زنجیره سیستم مافیائی بین المللی در هم آمیخته و تمام هست و بودش متلاشی شده است. بدبختانه امروز ما در عمق يك فاجعه ای به دست نیرو های ضد بشریت – تربیت یافتگان غرب و شرق – در بحران ناامنی ها و وضع ناگوار اقتصادی و امراض جسمی و روانی و... در کشور اسیر و دربند فرو رفته ایم. تاریخ خونبار مهین ما در طی چهل سال با دولت های پوشالی و ستمگر ضد ملی و ضد مردمی بی پایه و بی اراده، فاسد و رشوه خوار، با تجاوز امپریالیستی، جنگ و ویرانگری اش، با جنگ قدرت و قتل و غارت و بربادگیری دسته های مدعی قدرت از میان ارتجاع بومی مواجه بوده است. با وضعیت خلق شده موجود، حیات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشور ما با مشکل جدی مواجه شده است.

مضاف بر این همه مصائب وارده از جانب اشغالگران و نیرو های مزدور و لاشخور بومی که کرگس وار به جان مردم افتاده اند، دزدان سکتور خصوصی در بخش طبی – مثل هر بخش و سکتور دیگر کشور – که در دبستان

نئولبرالیسم و خصوصی سازی امپریالیستی درس یغماگری آموخته اند، با دزدی اعضای بدن گرسنگان و بینوایان میهن غرقه در فقر و حرمان، در کمال بی وجدانی و عدم مسئولیت اخلاقی و به رغم آن سوگند طبی هنگام فراغت، بر صحت و سلامت فقراء و محتاجان این وطن تجارت کرده و پاره های تن محرومان را به فروش گذاشته، پول تخصیص یافته به ادویه و خدمات و معاینات طبی - از جمله کرونا - را دزدی و اختلاس کرده اند.

آری، در این اواخر علاوه از هزار ها مصیبت و رنج و درد، کشتار بی رحمانه خلق ستمکش در جامعه متلاشی شده ما توسط امپریالیسم و استعمار، همان طوری که شرافت و اخلاق انسانی در سرپای نظام پوشالی ذاتاً فاسد ساخت اشغالگران در افغانستان اشغالی به خصوص سکتور های خصوصی طبی و... آن مرده است، عده ای از داکتران تجارت پیشه بر بدن انسان، دست به هولناک ترین جنایت نابخشودنی در حوزه غرب کشور زده و تجارت ضد بشری "گرده فروشی" را به دلیل فقر زحمتکشان و جنگ بی پایان رونق داده اند؛ آن هم در شفاخانه ای که داکترانش خود را به عنوان پروفیسران و همه کاره های طبابت جا زده و پیوند کرده را در کشور تبلیغ می کنند. این وجدان مرده ها و دلالان فاقد ذره ای احساس و شرافت انسانی، داکترانی هستند که چشم شان را به روی قاچاق اعضای بدن گرسنگان وطن بسته اند و هزاران هموطن ما را سلاخی کرده و اعضای بدن شان را در بدل ۳۵۰۰ الی ۴۵۰۰ دالر خریداری و به مبلغ هنگفتی در بازار معاملات بیرون از مرز ها و در داخل به فروش می رسانند.

این خرید و فروش و پیوند ها برای شفاخانه "لقمان حکیم"، به تجارت بزرگی مبدل شده است. هزاران مریض مبتلا به نداشتن و یا غیرفعال بودن گرده از کشور های اروپائی و سراسر افغانستان به این شفاخانه (تجارتخانه) مراجعه می کنند. قرار گفته مسؤولان شفاخانه "لقمان حکیم" که در رسانه های وابسته درز کرده است، داکتران این شفاخانه بیش از ۱۰۰۰ پیوند گرده را در ۵ سال انجام داده اند.

مردم ستمدیده و زحمتکش هرات مثل مردم سراسر کشور، بنا به مشکلات عدیده ناشی از جنگ تمام عیار تجاوزکارانه و جنایتکارانه امپریالیسم اشغالگر و جنگ نیابتی و حضور باند های مزدور و زورگوی و غارتگر، از بیکاری دائمی، فقر و تنگدستی تحمیلی، سوء تغذیه و امراض گوناگون رنج می برند و از فرط فقر و به خاطر نجات موقت شان، گرده "کلیه" های شان را در معرض حراج گذاشته و به فروش می رسانند.

این عمل شنیع خرید صحت و اعضای بدن محتاجان در برابر پول ناچیزی، نقض آشکار حقوق انسانی این محرومان توسط به اصطلاح داکتران انسان فروش و وجدان مرده آن شفاخانه است که در کمال بی وجدانی و بدون ترس از مؤاخذه و با چشم دریدگی و بی حیائی دست به چنین جنایتی می زنند. سکوت معنی دار و خفت بار دولت پوشالی و نظام برده صفت در برابر هر جرم و جنایت، و نظاره گری صرف در برابر هر قانون شکنی، خودش جرم و شریک جرم بودن است. باید هر دو تای جنایت آشکار این تجارت پیشگان و سکوت معنادار مسؤولان دولت خیانت ملی مورد بازخواست خلق ما قرار گرفته و در برابر این جنایات های هولناک ملت ما باید به پا خیزد و به اشکال و ذرائع ممکن اعتراض کند.

این جنایت تنها در یک سلاخ خانه به اسم به اصطلاح "شفاخانه لقمان حکیم" صورت نگرفته، بلکه به یقین در کابل و سایر ولایات فروش اعضای بدن هموطنان محتاج ما به یک امر عادی مبدل شده است. ولایاتی که از لحاظ تخنیکی داکتران (قصابان انسان) آن به پیوند گرده دسترسی ندارند، با کشور های همجوار معامله و داد ستد دارند. این جنایت به شکل زنجیره ئی و مافیائی ادامه دارد.

هموطن!

همان طوری که بازار گرم خرید و فروش گرده، در حوزه سکتور خصوصی طبابت بنا به عوامل فقر و بیکاری هموطنان مجبور، غیر قابل تحمل است، به همان سان امروز صحت و حیات روزمره ات نیز توسط تجارت پیشگان طبی دچار زوال اخلاقی در جامعه طبی ما به دلیل اضمحلال وجدان کاری و تعهد مسلکی عده ای از داکتران در برابر سوگند و وجدان علمی و مسئولیت درمانی شان، با خطر مواجه بوده و قابل توجه جدی است.

آری، این داکتران بدون توجه به حیات و صحت مریض و مشکلات اقتصادی مریضان با نوشتن نسخه های طولانی و محول کردن به دوافروشی های شخصی خود با قیمت های گزاف، در اکثر موارد به جای شفا بخشی، باعث مرگ و میر مریضان مراجعه کننده با این داکتران و دواخانه ها شده اند. عدم پاسخدهی و مسئولیت پذیری در مراجع قانونی و محاکم دولت مافیائی مستعمراتی به یک امر معمول مبدل شده است.

نباید این اصل علمی جامعه شناسی مترقی را فراموش کرد که در یک جامعه تقسیم شده به غنی و فقیر، بر هر چیز آن جامعه به گفته دانشمندی ماهر طبقاتی کوبیده شده و همه زوایا، ابعاد و طرز زندگی اهالی آن به شمول طبابت، طبقاتی و جدا از هم است. در چنین جامعه ای تقسیم شده به اقلیت صاحب امتیاز و ستمگر و اکثریت محروم و ستمکش مثل افغانستان امروز، طبابت اغنیاء، غیر از طبابت فقراء است. تمام شفاخانه های دولت مزدور و کلینیک های خصوصی امروز به مبدأ فساد و فساد خانه و قصاب خانه داکتران و تخطی از اصول طبابت و مصیبتی برای هموطنان ما مبدل شده است. مریضان بی بضاعت که در شفاخانه دولتی (شفاخانه های فقراء) بستر می شوند، بلافاصله توسط داکتران تجارت پیشه در ازای دریافت پول ناچیزی، با پرخطر جلوه دادن مشکل صحی بدون توجه به بی بضاعتی یا کم بضاعتی فرد بیمار، او را به لابراتوار ها، اکسری ها، سونگرافی ها و سائر خدمات خصوصی طبی قراردادی شان می فرستند. این قصابان خون در تن مردم ما را خشکانیده و بی شرمانه به سود جوئی خود بدون کدام ممانعت و پرسش ادامه می دهند.

این به اصطلاح تجارت بازار و بازار آزاد، عدم بازرسی مسؤولان و مراجع وزارت پوشالی و مافیائی صحت عامه دولت مزدور از پائین بودن کیفیت دوا های وارداتی از چین، هند، پاکستان، ایران و همچنان قاچاق آن از کشور های همسایه همراه با تجویز این ادویه بی کیفیت از جانب داکتران تجارت پیشه برای مریضان بی بضاعت و بی خبر از کیفیت پائین ادویه، صدمه های جبران ناپذیری را به صحت عمومی مردم ما زده، سلامتی مریضان ستمدیده ما را در خطر افکنده است. این داکتران تجارت پیشه همراه با دلالتان وارد کننده این ادویه بی کیفیت با بی باکی با چنین داد و ستد ها و تشخیص های ناسالم همدست با فروشندگان داروهای بی کیفیت و بازاری، نه تنها سلامت جامعه را در نابودی قرار می دهند، بلکه دشمنی و جنگ اعلان نشده علیه خلق ستمکش ما را به پیش می برند.

این همه شرارت و جنایت و انحراف اخلاقی در بخش طبابت چه در شفاخانه های دولتی یا خصوصی، از حرص سود جوئی، فساد ذاتی گسترده و عدم مدیریت سالم نظام پوشالی فاسد و رشوه خوار و مفاسد عمیق ارباب و آفریدگار استعمارگر و امپریالیست آن (امپریالیست های جنایتکار و غدار امریکا - ناتو) منشأ گرفته است. بی جا نیست که بگوئیم در چنین جامعه ای صحت و سلامتی مردم ما همان طوری که توسط اشغالگر، دولت مزدور، مجاهد، دلال تکنوکرات، طالب و داعش هر روز با بم و راکت و انتحار و انفجار و ترور، سر زدن و تیرباران و هزار و یک نوع شکنجه جسمی و روحی، در خطر است، توسط قصابان خون آشام (داکتران تجارت پیشه) در بازار آزاد هم به معامله گذاشته می شود.

این شکل اخیر جنایت همراه با سائر اشکال ستم، استثمار و جنایت توسط ارتجاع و امپریالیسم پیوند و خویشاوندی دارد. تا سلطه امپریالیسم و دارودسته مرتجع و خون آشام و مزدور جهادی، دلالتی و طالبی در کشور و بر دوش ستمکشان

زن و مرد کشور ما سنگینی کند، ستمروائی و جنایات شان هم تکرار شدنی بوده و اشکال و ابعاد نوینی نیز اختیار خواهد کرد. اما آن چنان که از قدیم گفته اند "دیده باشی لکه های دامن قصاب را"، آن روز آمدنی است که دست های معترضان کشور ما دامن این قصابان انسان را محکم گرفته و حق پایمال شده خویش را از این قصابان بی وجدان، بی احساس و خون آشام بخواهند و بستانند. آن روز دور نیست . و این خواست بحق با به زیر کشیده شدن سلطه و سروری استعماری – ارتجاعی از دوش زخمی مردم و ملت ستمکش افغانستان، تحقق خواهد یافت.